



پیامدهای نشست آلاسکا

روز جمعه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در نشستی در آلاسکا دیدار کرد؛ اولین دیدار پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲.

این نشست سه‌ساعته بدون هیچ اعلامیه آتش‌بسی پایان یافت و این دور‌هبر فقط بیانیه‌های کوتاهی ارائه دادند و بدون پاسخ به هیچ سوالی از روزنامه‌نگاران نشست را ترک کردند. پوتین گفت که این دو نفر به «درکی» از یکدیگر رسیده‌اند اما ترامپ گفت «تا وقتی توافقی صورت نگیرد، هیچ توافقی در کار نیست.»

قرار است امروز ترامپ و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین برای ادامه مذاکرات در واشنگتن با یکدیگر دیدار کنند. روز شنبه ترامپ در پستی در شبکه اجتماعی خود اعلام کرد «مستقیماً به توافق صلح» برسد تا آتش‌بسی فوری که اوکراین خواستار آن بود. زلنسکی در شبکه اجتماعی ایکس گفت که هرگونه صلحی باید «ماندگار باشد، نه فقط وقفه‌ای دیگر بین حملات روسیه».

کارشناسان اندیشکده چتم‌هاوس که رد‌خدا‌دها را نظارت کرده‌اند تحلیل‌های زود هنگام خود را در مورد نشست ترامپ و پوتین ارائه کرده‌اند. اورپسا لاتسویچ، معاون مدیر برنامه روسیه و اوراسیا و رئیس انجمن اوکراین در این اندیشکده می‌نویسد: «پس از شش تماس تلفنی دوجانبه میان ترامپ و پوتین، ۵ بار سفر ویتکاف، فرستاده ترامپ به مسکو، نشست آلاسکا، که در سراسر جهان با انتظارات و اضطراب بسیار دنبال می‌شد نتوانست هیچ نتیجه قابل لمسسی برای توقف حمله روسیه علیه اوکراین داشته باشد.» روسیه برای حمله خود پاداشی دریافت کرد. ترامپ روسیه را «کشور بزرگی» خواند و گفت که درک متقابل محکمی بین دو طرف وجود دارد. این نشان‌دهنده شکاف بیشتر در ائتلاف ترانس‌آتلانتیک است؛ ائتلافی که از هم گسیختگی آن یکی از اهداف اصلی روسیه است. نشست آلاسکا نشان‌دهنده گام دیگری به سمت این هدف است.

ترامپ بار دیگر با تکرار «جنگ بایدن» تقصیرها را از سر پوتین برداشته است. این دقیقاً همان سفیدشویی است که پوتین هم برای مردم کشور خود و هم برای کشورهای غیر غربی جهان نیاز دارد؛ جایی که روسیه به‌شدت تلاش می‌کند که این جنگ را گردن غرب بیندازد.

پوتین در عوض ادعای ترامپ مبنی بر پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ را تایید کرد و اشاره کرد که در آن تقلب شده بود. ترامپ دست‌خالی از این نشست بیرون آمد. برنامه شام مشترک لغو شد بنابراین همه‌چیز طبق برنامه پیش نرفت؛ هیچ توافقی نبود که برای آن جشن گرفته شود. اما پوتین در سرمای آلاسکا بیرون آمد. به‌جای محدود کردن فضای او برای جنگ در اروپا، ترامپ عکس آن را پیشنهاد داد؛ تاخیری در اعمال تحریم‌های ثانویه برای مشتریان نفت‌صادراتی‌اش.

کی‌یر گایلز، عضو ارشد برنامه روسیه و اوراسیا در چتم‌هاوس می‌نویسد: «این حقیقت که تفاوت‌هایی بین دو طرف وجود داشت که امکان غلبه بر آنها وجود نداشت نشان می‌دهد که ترامپ به‌راحتی آنچه را که پوتین می‌خواست، به او نداد. با اینکه ترامپ بر «توافقنامه صلح» اصرار دارد، این از میزان فاجعه‌باربودن آن برای اوکراین و اروپا کم نمی‌کند.» اما کاملاً انتظار می‌رفت که این نشست هدف پوتین و احتمالاً ترامپ برای کنار گذاشتن هر گونه مذاکرات درباره تحریم‌های بیشتر بر روسیه را رقم زد. ترامپ هیچ نشانه‌ای از کوتاه آمدن در استفاده از اهرم‌های واقعی در قبال مسکو ارائه نکرده است. علاوه بر آن تاکنون هیچ حرفی از کوتاه آمدن حمایت‌های آمریکا از امنیت اروپا زنده است. فعلاً بدترین نگرانی‌ها از این نشست بیان نشده است. همچنان دو خطر وجود دارد. اول، ترامپ حالا برای بار دیگر به زلنسکی نگاه می‌کند تا گامی به سوی صلح بردارد. ترامپ که نتوانسته هیچ تأثیری بر پوتین بگذارد حالا به هدف نرم‌تر خود روی می‌آورد که تمایل بیشتری برای استفاده از اهرم‌ها دارد و برابری بار دیگر تلاش می‌کند که زلنسکی را مجبور کند که برای آینده کشور خود مصالحه کند.

خطر دوم این است که اروپا ممکن است برای بار دیگر فکر کند که خطر فوری گذشته است. وحشت رهبران اروپایی برای تماس با ترامپ و ایجاد خط مبنایی برای منافع اساسی پیش از اینکه با پوتین دیدار کند نشان می‌دهد که آنها اقدامات بسیار کمی برای آنکه نقش کشورهای خود را در این مکالمه مرتبط بدانند، انجام داده‌اند.



بین‌الملل
INTERNATIONAL



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

در چهاردهم ماه مه سال ۱۹۴۸، اسرائیل در منشور استقلال خود، اعلامیه جهانی حقوق بشر «فارغ از مذهب، نژاد و جنسیت» را پذیرفت. در سال ۱۹۴۹ پذیرش شان و منزلت تک تک انسان‌ها در کنوانسیون‌های ژنو به رسمیت شناخته شد و سپس به دولت‌ها ابلاغ شد. امروز در غزه، ادعاهای اسرائیل به باور به حقوق بشر و احترام به قوانین جنگی، زیر سوال رفته‌است.

از ابتدا، جهان برای تحقق ایده‌های معاهده سال ۱۹۴۸ تلاش کرده است. اسرائیل از زهدان خشونت متولد شد و از آن زمان باتنش‌هایی در خصوص پایبندی به حقوق همگانی و ساختن خانه‌ای برای یهودیان در سرزمینی اشغال‌شده، در چالش بوده است. جنگ سرد، بن‌بست بین دو نظامی بود که هر دو قوانین بشر دوستانه را اغلب دست‌وپاگیر می‌دانستند. با این اوصاف، دهه‌های پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی به این امید دامن زد که دولت‌های قانون‌شکن رامی‌توان پاسخ‌گودانست.

وضعیت غزه نشان‌دهنده سقوط این دیدگاه و باور است. قوانین جنگ زیر پا گذاشته می‌شوند و نظام‌های پایبندی به این قوانین، به‌درستی عمل نمی‌کنند. با این حال شکستن این قوانین، اسرائیل را از لزوم پاسخ‌گویی به اقداماتش در غزه از جمله ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت میرا نمی‌کند. البته میانی تأسیس اسرائیل نیز به‌عنوان یک لیبرال دموکراسی بر لزوم رعایت این قوانین تأکید دارد.

اما در غزه خطایی بزرگ رخ داده است. جنگی که اسرائیل مدعی است علیه «تروریست‌هایی» برپا شده که یهودیان را در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ سلاخی کردند، حالا به مرگ و ویرانی در مقیاس بسیار گسترده‌ای تبدیل شده است. بیشتر ساختمان‌های غزه به تلی از خاک تبدیل شده‌اند، میلیونها غیرنظامی آواره و ده‌ها هزار نفر کشته‌شده‌اند. ولی بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل همچنان نمی‌تواند جلوی خود را بگیرد. در هفته‌ای که گذشت ایده تصرف کامل غزه مطرح شد. با وجود اینکه بیش از ۶۰۰ نفر از مقامات امنیتی بازنشسته اسرائیلی از جمله رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی در نامه‌ای سرگشاده به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، اعلام کرده‌اند که «حماس دیگر تهدیدی استراتژیک برای اسرائیل» محسوب نمی‌شود، ادامه جنگ در غزه دیگر نه توجیه استراتژیک دارد و نه توجیه لزوم دفاع از خود.

بدرت از آن، کابینه اسرائیل، به‌رغم مسئولیت‌هایی که طبق قوانین بین‌المللی به‌عنوان قدرت اشغالگر برعهده دارد، از توزیع مواد غذایی به غیرنظامیان غزه، به‌عنوان سلاخی علیه حماس استفاده کرده است؛ اقدامی که همانگونه که از قبل پیش‌بینی می‌شد، منجر به سوءتغذیه و مرگ غیرنظامیان مستأصلی شده که برای دریافت جیره غذایی خود مجبورند در صف‌های طولانی بایستند. نگه‌داشتن غیرنظامیان در فضاهای بسیار کوچک در حالی که خانه‌هایشان تخریب‌می‌شوند نشان می‌دهد که اسرائیل به‌دنبال پاکسازی قومی در غزه است.

به گزارش مجله اکونومیست، این اتفاق فقط به غزه محدود نمی‌شود. غیرنظامیان در جمهوری دموکراتیک کنگو، مینامار، سودان، اوکراین و تقریباً در هر منطقه جنگی دیگر سلاخی و از خانه‌هایشان آواره می‌شوند.

حماس اخیراً به رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی بریتانیا، کانادا و فرانسه را «میه» هفتم اکتبر خوانده است. با این وجود، اقدامات در هفت اکتبر، حماس نمی‌تواند بهانه‌ای برای اسرائیل باشد تا دست به این جنایات بزند. اسرائیل مدعی است که بر پایه اصول دموکراتیک بنا شده و بنابراین طبق ادعای خودش باید استانداردهای سختگیرانه‌تری داشته باشد. اما در شرایطی که قوانین جنگ زیر پا گذاشته می‌شوند، ساختار بین‌المللی که به این قوانین از ج می‌نهد نیز افول کرده است. کنوانسیون‌های ژنو به دنبال مصون نگه داشتن غیرنظامیان بودند. اما با این حال اغلب برای جنگ‌های بین کشورها اعمال شدند. درگیری‌های امروزی اغلب شامل یک گروه شبه‌نظامی با یک دولت است. این امر تلفات گسترده غیرنظامیان را به دنبال دارد. جالب است که براساس معاهدات ژنو نسبت بالای تلفات غیرنظامیان به نظامیان در غزه مدرکی دال بر وقوع جنایت نیست! اسرائیل قواعد جنگ را برای خودش آسان کرده اما باریکه غزه پر جمعیت است. بنابراین در این نوع از درگیری، با توجه به استراتژی‌های عمدی وی بی‌روایانه اسرائیلی، غیرنظامیان بسیاری کشته می‌شوند. البته پیشتر نیز آمریکایی‌ها چنین فجایی را در شهرهای موصل و فلوچه عراق رقم زدند.

❖ دادگاه‌ها فقط اِزارند، قدرت اجرایی ندارند

دیوان بین‌المللی کیفری نقشی عملکردا به خود گرفت و حکم بازداشت نتانیا‌هو و وزیر دفاع و قتش را صادر کرد. دادگاه‌ها در نبردهای حقوقی ادا‌امدار نقش اِزار را به خود گرفته‌اند. آفریقای جنوبی فقط ۱۲ هفته پس از هفتم اکتبر اسرائیل را به نسل‌کشی متهم کرد. این امر به کنشگران حقوق بشر اجازه داد تا کمپین‌های خود مبنی بر درخواست تحریم اسرائیل از سوی غرب را تقویت کنند.

کنشگران حقوق بشر آرزو دارند که دادگاه‌ها جایگاه برتر خود را در جهانی که ارزش‌های آن افول کرده، تحمیل کنند. اما قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و چین، این دادگاه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. بنابراین دادگاه‌ها محکوم به شکست هستند. صدور احکام نهایی در قوانین بین‌المللی زمان زیادی می‌برد و ضمانت اجرایی محدودی دارند. پرونده‌ای که امروز با می‌شود ممکن است

نسل‌کشی در

شناخته شده ترین نهادهای حقوق بشری اسرائیل



تکس: Getty Images

❖ نسل‌کشی به چه معناست؟

در روزهای پس از هفتم اکتبر، جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین آمریکایرای اینکه آمریکایی‌ها را قانع کند که اسرائیل در چه‌وحشتی فروز رفته، حمله هفت اکتبر حماس را یازده سپتامبر اسرائیلی‌ها توصیف کرد. با گذشت دوسال، به‌گفته مقامات بهداشتی غزه، میزان تلفات در غزه به بیش از ۶۱ هزار نفر رسیده است. خیلی‌های می‌گویند که این آمار از سوی وزارت تحت کنترل حماس اعلام می‌شود بنابراین واقعی نیست، اما مجله معتبر پزشکی لنست در تحقیقات خود به این نتیجه‌رسید که آمار مرگ و میر واقعی در غزه حتی بیشتر از این تعداد است. غزه، باریکه‌ای حدوداً به اندازه دیترویت در ایالت میشیگان است. از زمان هفتم اکتبر، اسرائیل بیش از صدها هزار تن مواد منفجره بر این باریکه ریخته است که بیشتر از کل مواد منفجره‌ای است که در جنگ جهانی دوم مجموعاً بر درسدن، هامبورگ و لندن فرود آمد. تصاویر هوایی ویرانی مطلق را در غزه نشان می‌دهند. بر اساس تخمین‌ها ۷۰ درصد تمام سازه‌ها در غزه، اعم از خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مساجد و مدارس به‌شدت آسیب‌دیده‌اند یا کاملاً نابود شده‌اند. این حجم از بمباران در باریکه‌ای به‌شدت پرجمعیت، بدون حجم‌بزرگی از تلفات انسانی گسترده امکان‌پذیر نیست. اما موضوع فقط تلفات نیست. اسرائیل ورود مواد غذایی به غزه را ممنوع کرده است. سازمان‌ها و نهادهای بشردوستانه، تمام مدت درباره افزایش گرسنگی و احتمال قحطی در غزه هشدار داده‌اند. سپس در ماه مارس، اسرائیل به‌مدت ۱۱ هفته ورود کمک‌های غذایی را ممنوع کرد و بعد از آن زیرساخت‌های کمک‌رسانی که سازمان ملل بنا کرده بود را تعطیل کرد و صدها سایت فعال توزیع مواد غذایی را با ۴ سایت تحت مدیریت پیمانکاران بی‌تجربه جایگزین کرد.

حالا قحطی سراسر غزه را فرا گرفته است. مردم از گرسنگی می‌میرند. عکس‌ها و تصاویر ویدئویی، مردم پیرم و جوان و کودک در غزه را که کاسه به دست برای دریافت غذا التماس می‌کنند، صداها نفر هم در همین سایت‌های توزیع مواد غذایی کشته شده‌اند. بر اساس گزارش دفتر حقوق بشر سازمان ملل، دست‌کم هزار و ۷۶۰ فلسطینی در اواخر ماه مه در حالی که برای دریافت کمک‌ها می‌دویدند، جان خود را از دست داده‌اند. اسرائیل در واکنش به بدتر شدن بحران گرسنگی به چندین کشور از جمله امارات متحده عربی، اردن، مصر، آلمان، بلژیک و کانادا اجازه داد تا محموله‌های مواد غذایی را با هواپیما در منطقه جنگ‌زده پرتاب کنند؛ اقدامی که به خودی خود منجر به کشته‌شدن فلسطینی‌هایی می‌شود که برای دریافت کمک‌ها یا در آب‌ها غرق می‌شوند یا زیر دست و پا جان خود را از دست می‌دهند. امدادگران از غزه گزارش می‌دهند که گرسنگی پدیده‌ای در حال وقوع است؛ پدیده‌ای که در عین حال کاملاً قابل پیشگیری است.

روزی بازدارنده باشد اما ابزار ضعیفی برای متوقف کردن جنایات جنگی در حال وقوع به‌شمار می‌رود.

در گذشته اسرائیل تحقیقاتی در مورد جنگ‌ها انجام داد و برخی از رهبران سیاسی و نظامی را مسئول قلمداد کرد. با این حال مسئولیت‌پذیری در سطوح بالا دیده نمی‌شود. دیوان عالی و دادستان کل در اسرائیل، در چالش داخلی قدرت با نتانیا‌هو گیر افتاده‌اند. زمانی که موضوع به انتقاد از دولت بر سر عملکردش در غزه می‌رسد، هیچ اثری از انتقاد دیده نمی‌شود.

اما هنوز دیر نشده است. قدم اول این است که اسرائیل اجازه ورود غذا و داروی مورد نیاز غزه را برای جلوگیری از شیوع گرسنگی بدهد. اسرائیل همچنین باید با توافقی برای آتش‌بس موافقت کند. قدم دوم اقدامات برای درازمدت است: نظیر اینکه آیا پس از پایان جنگ واقعاً کم‌میسونی برای تحقیق درباره عملکرد ارتش اسرائیل تشکیل می‌شود یا خیر.

جهان به‌ویژه ایالات متحده نقش مهمی در این امر خواهند داشت. در تاریخ معاصر، هیچ رئیس‌جمهور آمریکایی به‌اندازه دونالد ترامپ نیست که تا این حد به قوانین بین‌المللی بی‌احترامی کرده باشد. اما صلح در غزه به ایجاد ثبات در منطقه کمک می‌کند و عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان سعودی را ممکن خواهد کرد. آمریکا در گذشته برای متوقف کردن جنگ‌های اسرائیل به‌طور مرتب مداخله کرده است.

مقامات امنیتی پیشین اسرائیل هم می‌دانند که کابینه نتانیا‌هو هیچ تمایلی به قانون ندارد. برخی از اسرائیلی‌ها این‌طور فکر می‌کنند که الا‌ن هر کاری که دوست دارند می‌توانند انجام دهند و کمی بدتر بر روابط خود با غرب را بهبود بخشند. اما اروپایی‌ها دیدگاه ناخوشایندی نسبت به اسرائیل دارند. این احساس ناخوشایندی در میان دموکرات‌های آمریکایی و برخی از راست‌گرایان ماگا (حامیان ترامپ) مشترک است. ممکن است اسرائیل بتواند به یک رژیم قوم‌گرا تبدیل شود و کرانه باختری را الحاق کند و مردم آن را از بین ببرد، اما خر‌خه خشونت متوقف نخواهد شد.

برخی این‌طور استدلال می‌کنند که اسرائیل در هفت اکتبر بدترین حمله در تاریخ خود را تجربه کرده بنابراین طبیعی است که هیچ تمایلی به محاکمه رهبران خود نداشته باشد. با این حال فهم خرمدانه‌از کنوانسیون‌های ژنو این‌طور ایجاب می‌کند که نظام‌هایی که قوانین جنگ را بدون هیچ ابایی می‌شکنند، فقط به قربانیان خود آسیب نمی‌رسانند بلکه به خودشان هم آسیب می‌زنند.

موجودیت اسرائیل بیا این بی‌عدالتی در معرض خطر قرار گرفته‌است. اگر از کسانی که مسئولیت گرسنگی‌دادن به مردم غزه و پاکسازی قومی در غزه را برعهده دارند، تحلیل کند، سیاست‌ها و جامعه‌اش به سمت عوام‌فریبی و اقتدارگرایی پیش خواهد رفت.